

چکیده

سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه جوامع مطرح شده است. پیشرفت جامعه با ایجاد روابط صمیمانه، گسترش انسجام و مشارکت اجتماعی، اعتماد چند سویه و با بالا رفتن حجم سرمایه‌ی اجتماعی میسر می‌شود. این از ارزش‌های اخلاقی بر فعالیت‌های اجتماعی مؤثرند و موجب پایداری روابط اجتماعی، برقراری صلح و نهایتاً ایجاد جامعه‌ای سالم می‌شوند. آثار ادبی عاملی مؤثر در هویت یابی محیط اجتماعی اند و هیچ سخن-آفرینی نمی‌تواند گسسته از امور اجتماعی زمانه‌اش باشد. تاریخ ادبیات ایران، نشان دهنده وجود آثار متعددی در حوزه اخلاق است؛ یکی از این آثار قابوس نامه است. مسئله‌ای که می‌توان اینجا طرح کرد ماهیت اندرزهای اخلاقی عنصرالمعالی در این کتاب است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عنصرالمعالی در قابوس نامه به همه‌ی زوایای زندگی فردی و اجتماعی پرداخته است. او صداقت، تعهد به پیمان، کاردانی و امانت‌داری را از جمله عوامل ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی دانسته و در مقابل نفاق، دروغ، خیانت‌ورزی، ظلم، نادانی و افشای راز را عوامل تخریب اعتماد معرفی می‌نماید. همچنین رعایت اصول اخلاقی مانند حق‌شناسی نسبت به پروردگار و والدین، احسان، مدارا، حسن خلق، عدل و سخاوت را برای تمام افراد جامعه ضروری می‌داند. این معانی و مفاهیم در نسخ مصور قابوس نامه نیز تکرار شده و قابل مشاهده است.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در قابوس نامه.

۲. بررسی انعکاس مفاهیم اخلاقی قابوس نامه در نگاره‌های نسخه مصور قابوس نامه.

سؤالات پژوهش:

۱. عنصرالمعالی در قابوس نامه به چه اندرزهای اخلاقی و اجتماعی اشاره کرده است؟

۲. مفاهیم اخلاقی و اجتماعی قابوس نامه در نگاره‌های نسخه مصور قابوس نامه چه انعکاسی داشته است؟

واژگان کلیدی: قابوس‌نامه، اندرزهای اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، نگاره.

مقدمه

والدین با شکل دادن به ساختار ذهنی فرزندان و تلاش برای جامعه‌پذیرکردنشان، می‌توانند جایگاه مهمی در تولید و بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی پیدا کنند. یکی از شیوه‌های معمول تربیت فرزندان در ایران، نوشتن اندرزنامه، نصیحت-نامه و پندنامه بوده است. شاهان و بزرگان آموزه‌های تربیتی خود را که ذخیره‌ی سال‌ها تجربه‌اندوزی و فراگیری دانش بود، با استفاده از امثال و حکم، کلمات قصار و حکایت‌های شیرین به مخاطبان انتقال می‌دادند. از آن جایی که این کتب در طی امثال و تمثیلات موجز و موثر خود چیزی از حکمت عملی عام خلق را دربرداشت، و به همین سبب با آنکه اصل آنها غالباً به فرهنگ طبقات اشرافی تعلق داشت، از طریق نفوذ نامرئی که عامه را تدریجاً با فرهنگ خاصه آشنا می‌ساخت، سد طبقاتی بالنسبه استوار و عبورناپذیر جامعه‌ی ساسانی را می‌شکست و از زندگی پیشه‌وران و سربازان و شب‌گردان و روستاییان تا حیات موبدان و دبیران و آزادان و ویسپوهدان، همه چیز را تحت نظارت و انضباط نوعی اخلاق شادمانه اما جدی و موقر در می‌آورد. در این حوزه قابوس‌نامه که به قول بهار مجموعه‌ی تمدن اسلامی پیش از مغول است، یکی از آثار تمام عیار اخلاقی و تعلیمی تربیتی به شمار می‌رود که نویسنده به انگیزه‌ی ارشاد و تربیت فرزندش گیلان‌شاه و سپس بهره‌مندی عامه‌ی مردم آن را تألیف نموده است. کیکاووس نویسنده است و سخت متأثر از خاستگاه دودمانی و فرهنگ محیط خویش. هرچند در اینجا می‌کوشد تا دامنه‌ی این خاستگاه و فرهنگ را گسترش دهد و رساله‌ای بنویسد که عام‌تر از یک نصیحه‌الملوک باشد. آنچه او را در کار نگارش پیش می‌برد، توجه به این نکته است که هر آنچه را که را آدمی می‌کند، به تمامی شناسایی و بیان کند و به فرزندش بیاموزد که در همه‌ی وضعیت‌های زندگی، شرافت‌مندانه و به درستی رفتار کند. اهمیت آثار ادبی و هنری از منظر سرمایه‌ی اجتماعی آن است که ادبیات و هنر این قابلیت را در نهاد خود دارا می‌باشند که به بازتولید، ارتقاء و افزایش کیفیت سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار فرهنگ و هویت ملی و اجتماعی جوامع پرداخته و همچون رسانه‌ای پویا، به بازنشر آن سرمایه‌ها بپردازند و ارزش این مسأله در قرون گذشته که ادبیات نقش محوری در تولید و اشاعه‌ی ارزش‌ها بازی می‌کرد، دو چندان می‌شود. از این رو بررسی و تحلیل آثار شاعران اعصار گذشته از منظر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، می‌تواند سبب کشف و تبیین اندیشه‌های اخلاقی، رفتاری، ارزشی و اجتماعی هر عصر شده و میزان اهتمام هر ادیب را به سرمایه‌های اجتماعی عصر خود مشخص نموده و توجه و یا عدم تلاش خالق اثر در بهره‌وری از آن اندیشه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی در آثارش را تبیین کند. اثر پیش رو قصد دارد تا اعتماد و اخلاق را از میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در قابوس‌نامه یکی از متون نام‌آشنای ادبیات تعلیمی، بررسی نماید.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما مقالاتی درباره سرمایه اجتماعی در ادب فارسی به رشته تحریر درآمده است. مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در شهر ایرانی از دریچه‌ی متون کهن ادبیات فارسی» از محسن هنرور و همکاران (۱۳۹۴)، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مرکز پژوهشی هنرمعماری و شهرسازی نظر به چاپ رسیده است. در این تحقیق می‌خوانیم

که محلات به عنوان مهم‌ترین تجلی شبکه‌های اجتماعی در زندگی شهری جامعه‌ی ایرانی، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ی دیگر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (روابط و تعاملات اجتماعی، هنجارهای همیاری و اعتماد) هستند. بر این اساس برخلاف جوامع غربی که تعاملات میان شهروندان عمدتاً به صورت میان‌گروهی، درمقیاس شهر و در فضاهای شهری صورت می‌پذیرفته است، تعاملات ایرانیان به صورت درون‌گروهی و در مقیاس محلات تحقق می‌یافته است. مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی در تاریخ بیهقی»، از محسن خلیلی در مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد به طبع رسیده است. تلاش محقق در این مقاله بر آن بوده که از متن گزارش تاریخی «فرزانه بیهق»، آنچه را که سبب و نشانه زوال است، بازسازی کرده و دلیل و نشانه‌ی دوران صعود و ظهور را تبیین کند. مقاله‌ی «نقد سرمایه و ضد سرمایه‌ی اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌ها از نیما و سرود باران از بدرشاکر سیاب» از حمیدرضا مشایخی و ارسلان احمدی (۱۳۹۰) که در پژوهش‌نامه‌ی نقد ادب عربی ارائه شده است. از نظر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی شعر داروگ نسبت به شعر سرود باران، بیشتر به شکل ضد سرمایه‌ی اجتماعی جلوه گر شده است. رابطه‌ی متقابل افراد جامعه با یکدیگر و پرداختن به دیگر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در شعر هر دو شاعر به گونه‌ای متفاوت نمود یافته است. بدین شکل که نیما، رابطه‌ی میان مردم جامعه و حتی رابطه‌ی بین کشورها را سست و بی‌بنیان، تبعیض‌آمیز و فاصله‌ی طبقاتی، بی‌عدالتی و فقر و محرومیت را نمایان‌تر از شعر بدرشاکر به تصویر می‌کشد. پایان‌نامه‌ی «بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در قصاید ناصر خسرو و تاریخ بیهقی» از ارسلان احمدی انارمرزی، دانشگاه مازندران (۱۳۹۰). در این پایان‌نامه، به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، مشارکت و اخلاق در دو اثر متفاوت یعنی تاریخ بیهقی (با نثر ادبی با محتوای تاریخی) و قصاید ناصر خسرو در قالب نظم پرداخته شده است. نویسنده معتقد است که مطالعه و تحقیق در حوزه‌ی نظم (قصاید ناصر خسرو) بیشتر در حیطه‌ی ذهنی (شناختی) سرمایه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرد، در حالی که پژوهش در حوزه‌ی نثر (تاریخ بیهقی) بیشتر در حیطه‌ی ساختاری (عینی و واقعی) صورت می‌گیرد. پایان‌نامه‌ی «بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری»، از لیلا رکابدار، دانشگاه مازندران (۱۳۹۰). در این پژوهش مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در کتاب داستان‌نامه‌ی بهمنیاری بررسی شده است. این مؤلفه‌ها شامل: اعتماد، مشارکت، تعهد، وفاق اجتماعی، هنجارهای معامله‌ی متقابل و مدارا و تحمل می‌باشد که در فضای داستان‌نامه با سرمایه‌ی اجتماعی پیوند خورده است. نگارنده با بررسی در شش هزار ضرب‌المثل داستان‌نامه به این نتیجه رسیده است که در این مثل‌ها مؤلفه‌ی اعتماد با شاخص اعتماد به دوستان بیشترین بسامد را داشته و وفاق اجتماعی کم‌ترین بسامد را احراز کرده است و مؤلفه‌های مشارکت، تحمل و مدارا، هنجارهای معامله‌ی متقابل و تعهد اجتماعی به ترتیب رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بررسی‌های به عمل آمده پیرامون پژوهش‌هایی که در رابطه با قابوس‌نامه صورت گرفته، حاکی از آن است که هیچ اثری در باب تحلیل مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی با محوریت این کتاب تألیف نشده است. تحقیق حاضر با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی در قابوس‌نامه با تکیه بر دو مؤلفه‌ی اعتماد و ارزش‌های اخلاقی» می‌تواند گامی نو در این زمینه تلقی گردد.

در این تحقیق با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تلاش شده است اعتماد و ارزش‌های اخلاقی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در قابوس‌نامه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. ساختار این تحقیق به این صورت می‌باشد که در ابتدا به بیان مبانی نظری تحقیق پرداخته و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن : (اعتماد و ارزش‌های اخلاقی) شرح داده می‌شوند. سپس به استخراج و ارائه‌ی مصادیق این دو مؤلفه در اثر می‌پردازیم و در نهایت آن‌ها را مورد تفسیر و تحلیل و قرار داده و نتایج حاصله را ارائه خواهیم کرد.

نتیجه‌گیری

آثار ادبی همچون قابوس‌نامه تألیف عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر، نقش مهمی در تولید و گسترش ارزش‌ها ایفا می‌کنند و می‌توان از آن‌ها به عنوان ابزاری در بازتولید، ارتقا و افزایش کیفیت اجتماعی در ساختار فرهنگ، هویت ملی و اجتماعی بهره برد. عنصرالمعالی که سرد و گرم روزگار را چشیده و تجارب ارزنده‌ی کسب کرده، در کسوت یک مربی اخلاق و با ژرف‌نگری و تیزبینی یک روان‌شناس، به تحلیل دقایق و آداب اخلاقی و رفتاری شایسته در سلوک با عامه‌ی مردم می‌پردازد. در این پژوهش به بررسی دو مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد و ارزش‌های اخلاقی پرداخته شده است. اعتماد یکی از عناصر و پدیده‌های اجتماعی است که نقش بسیار پررنگ و مؤثری در روابط و تعاملات افراد بشر ایفا می‌کند. برای ایجاد ارتباطی منسجم و پایدار، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد به وجود بیاورد که در آن ترس از طردشدن کاهش یافته و امید به پذیرش و حمایت و تأیید ارتقا یابد. عنصرالمعالی، صداقت، وفای به عهد، کاردانی و کفایت، امانت‌داری و دوستی را از عوامل ایجاد اعتماد، ذکر می‌کند. او، یکی از سه رکن جوان‌مردی را رعایت راستی می‌داند و معتقد است جان خویش را نیز در راه صداقت و پاسخ به اعتماد دیگران، حتی اگر دشمن باشند، باید فدا کرد و خیانت نورزید. هیچ استثنایی هم برای صداقت قائل نمی‌شود و رعایت راستی گفتار و کردار را در هر شرایطی ضروری می‌داند. نویسنده‌ی قابوس‌نامه، در سراسر کتاب، دورویی و دروغ را که در ضدیت با راستی و درستی است، نکوهش می‌کند و پیمان‌شکنی را موجب نفرت و بی‌زاری می‌داند. از نظر او، امضا و توقیع پادشاه و وزیر در حکم سندی قطعی و بی‌بازگشت است و باطل کردن آن نشانی از دروغ و عامل سلب اعتماد می‌باشد. همچنین بیداد و ستم، جهل و نادانی و فقر و نداری را از نشانه‌های بی‌کفایتی و عوامل بی‌اعتمادی به شمار می‌آورد. در مقابل عنوان می‌کند که بهره‌گیری از علوم گوناگون و حکمت، قابلیت اعتماد کردن را افزایش می‌دهد. همین‌طور اثبات آمادگی و حضور پیوسته برای خدمت‌کردن، اعتماد پادشاه به زیردست و خادمش را افزون می‌کند. یکی از شرایطی که عنصرالمعالی برای اعتمادکردن به دیگران در معاملات برمی‌شمرد، کاردیده و مجرب و پخته بودن است. او از افشای راز، دروغ، خیانت و عیب‌جویی از دیگران به عنوان عوامل مخرب اعتماد نام می‌برد. عنصرالمعالی، امانت‌داری و امین‌بودن را موجب توانگری می‌داند. از نظر او، بدترین و ناراحت‌کننده‌ترین حس در روابط دوستانه، سوءاستفاده‌ی دیگران از اعتماد شخص و خیانت می‌باشد که از نکوهیده‌ترین ردایل و مخرب پایه‌های

اعتماد است. نویسنده‌ی قابوس‌نامه همچنین، معیارهایی در جهت دوست‌یابی، اعتماد به دیگران و برقراری روابط دوستانه با آنان بیان کرده است. یکی از راه‌های اعتمادسازی، همراهی و همدلی و نیکویی کردن در حق یکدیگر است. به عقیده‌ی عنصرالمعالی، رذایل اخلاقی چون: طمع، بی‌خردی، بی‌هنری، کینه، همچنین دوستی با دشمن دوستان و همچنین کسانی که بی‌جرم و گناهی قید دوستی را می‌زنند، سبب بی‌اعتمادی می‌شود. او، علاوه بر رعایت شروط و پایه‌های اعتماد، حزم، دوراندیشی و عدم اعتماد به دشمن را نیز لازم می‌داند. برای مثال در باب امانت نگاه داشتن، سفارش به حضور شاهدان عادل می‌کند؛ یا در سخنانی که پیرامون روابط وزیر و پادشاه دارد، هرچند هر دو را به حفظ راستی و صداقت نسبت به یکدیگر سفارش می‌کند، اما آن‌ها را از اعتماد کامل برحذر می‌دارد.

وجود اخلاقیات، ارزش‌ها و باورهای اساسی در جامعه، موجب ترقی و توسعه‌ی آن جامعه و ارتقای سرمایه‌های بزرگ اجتماعی می‌شود. مؤلف رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی همچون رعایت حقوق پروردگار، نیکي به پدر و مادر، احسان و نیکوکاری، مدارا و دوری از اذیت و آزار را ضروری می‌داند. از نظر او اطاعت، حق‌شناسی و سپاس-گزاری در برابر پروردگار و فرستادگانش، همان اقرار خالصانه به بندگی است. نافرمانی و ناسپاسی ناشی از تکبر و منیت انسان است و چنین شخصی نه تنها سبب هلاک خود می‌شود، بلکه در زمان حیاتش نیز نباید انتظار مطیع بودن زیردستانش را نسبت به خود داشته باشد. عنصرالمعالی رعایت حقوق پدر و مادر و نیکي به آنان را نیز توصیه می‌کند. به اعتقاد او، احسان و نیکي به مردم، سبب نزدیکی به خداوند، نزول رحمت بی‌کران الهی، مانع نزول بلا و موجب برطرف‌شدن سختی‌ها و مشکلات، یکدلی و متفق شدن با یکدیگر می‌شود. او، کنترل خشم و غضب، حلم و بردباری، حسن خلق و ترک جدل و مخاصمه را از روش‌های مدارا و کم‌آزاری می‌داند. بررسی نگاره‌های مربوط به قابوس‌نامه مصور نیز این مضامین اخلاقی را نشان می‌دهد.

منابع :

- احمدی انارمرزی، ارسلان. (۱۳۹۰). بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در قصاید ناصر خسرو و تاریخ بیهقی. پایان-نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- الهامی، فاطمه. (۱۳۹۱). «جایگاه قابوس‌نامه در قلمرو ادبیات تعلیمی». پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۶، ۱۵۸-۱۳۱.
- پارسامهر، مهربان؛ اسکندری فرد، امیرمختار. (۱۳۹۲). «اعتماد اجتماعی و رابطه‌ی آن با مشارکت اجتماعی». فصل-نامه علوم اجتماعی، شماره ۶۲، ۲۸۶-۲۵۳.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرا.
- دوفوشه کور، شارل هانری. (۱۳۷۷). اخلاقیات. ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه.

رکابدار، لیلا. (۱۳۹۰). بررسی مؤلفه های سرمایه‌ی اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

روحانی، حسن. (۱۳۹۰). «سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه‌ی اجتماعی». فصل‌نامه راهبرد، شماره ۵۹، ۴۶-۷.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). از گذشته‌ی ادبی ایران. تهران: الهدی.

شجاعی باغینی، محمدمهدی و همکاران. (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

طهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی. (۱۳۸۸). اخلاق اساسی و اجتماعی. تهران: دادگستر.

عباس‌زاده، محمد؛ میرزایی، مجتبی. (۱۳۹۳). «نقش دین در توسعه‌ی شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ۲۲۴-۲۰۱.

عسکری، علی. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارا، مطالعه‌ی تطبیقی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، پایان‌نامه دانشگاه مازندران.

عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر. (۱۳۷۸). قابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.

مشایخی، حمیدرضا؛ احمدی، ارسلان. (۱۳۹۰). «نقد سرمایه و ضد سرمایه‌ی اجتماعی در شعر داروگ و آی آدمها از نیما و سرود باران از بدرشاکر سیاب». پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، شماره ۶۰/۶/۲، ۱۶۶-۱۴۰.

نراقی، احسان. (۱۳۸۶). علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن. تهران: فرزانه.

نصراللهی، زهرا؛ مکیان، نظام‌الدین و اسلامی، راضیه. (۱۳۹۴). «سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام». فصل‌نامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۳، ۳۸-۲۱.

نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۶۱). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: رایزن.

هنرور، محسن؛ پاسیان خمیری، رضا و طراوت، محدثه. (۱۳۹۴). «ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در شهر ایرانی از دریچه‌ی متون کهن ادبیات فارسی». فصل‌نامه پژوهشی مرکز هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۳۳، ۴۱-۵۸.

Gambetta, D. (۱۹۸۸). Can We Trust? in D. Gambetta (led), Trust: making and Breaking cooperative Relations, oxford: Basil Blackwell, 213 – 237.

Hardin, R. (۱۹۸۸). Trust in Government in: Valerie Baithwaite and Margaret levi (eds) Trust and Governance. New york: Russell sage Foundation: ۹ – ۲۷.